

چهره‌ی اساطیری پری در شاهنامه

چکیده



❖ ناسترن صفاری

(۱۳۴۷ - تهران)
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی کرج است وی آثار و تحقیقات خود را در زمینه شاهنامه و حماسه سامان داده است.

در بررسی خویشکاری اسطوره‌ی پری پی‌به‌وجود دو شخصیت کاملاً متمایز از «پری» می‌بریم. پری در ادبیات اوستایی دارای شخصیتی بد و زشت و اهریمنی است، اما آنچه از ادبیات فارسی دری برمی‌آید، پری نه تنها موجود زشت و اهریمنی نیست، بلکه مظهر زیبایی است و به صورت زن اثیری جلوه‌گر می‌شود و حتی گاهی در مقابل موجود اهریمنی قرار می‌گیرد.

این دوگانگی یک شخصیت اسطوره‌ای قابل بحث و تعمق بسیار است و از تحقیقات انجام شده چنین برمی‌آید پری در اصل یکی از زن ایزدانی بوده که در زمان‌های کهن و پیش از زرتشت ستایش می‌شده ولی بعدها در اثر عوامل انگیزه‌های گوناگون مانند دگرگونی‌های اجتماعی، دین‌آوری و نوکیش‌ها و رواج ارزش‌های اخلاقی تازه برداشت ذهن آن گروه از ایرانیان که آیین زردشت را پذیرفته بودند، دگرگون شده، پری را موجود زشت اهریمنی پنداشتند ولی خاطره دیرین پری به عنوان الهه‌ای که با کامکاری و باروری و زایش رابطه‌ی نزدیک داشت، هم چنان در ذهن جمعی ناخودآگاه مردمان باقی مانده و در ادب فارسی و فرهنگ عامیانه‌ی ایران منعکس شده است.

در این مقاله شاهنامه‌ی فردوسی به عنوان اساس و شاهد مثال شعری برای مطالب گفته شده قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نگه کن که هوش تو بر دست کیست
ز مردم شمار از ز دیو و «پریست»

دانش اساطیر در روشن کردن زوایای تاریک تمدن بشر و نیز ساخت‌های کهن اجتماعی و پی‌بردن به طرز تفکر و اعتقادات مردمان باستان بسیار مفید است. از راه دانش اساطیر می‌توان به نهادهای ابتدایی ادوار کهن تمدن بشری و ارتباط اقوام با یکدیگر پی‌برد. از آن‌جا که اسطوره‌ها تنها بیان تفکرات آدمی درباره‌ی مفهوم انسانی زندگی نیست، بلکه دستور عملی است که انسان اعصار گذشته بر اساس آن‌ها زندگی می‌کرده است، می‌توان آن‌ها را توجیهی منطقی برای جامعه

دانست و در نهایت طرحی که جامعه بر طبق آن قرار گرفته است، اعتبار نهایی خود را از طریق تصورات اساطیری به دست می‌آورد. با این دید اسطوره‌ها منشور کثیرالوجهی هستند که با پرداختن به هر یک از وجوه آن می‌توان به رازهای بسیاری در مورد اخلاق و رفتار، دین و طرز تفکر و اندیشه‌ی انسان اعصار کهن پی‌برد؛ از این رو هنگامی که درباره‌ی اسطوره‌های ایرانی تحقیق می‌شود، فقط به روایات غیرواقعی و افسانه‌ای و تخیل‌آمیز یا به اشعار زیبایی باستانی و حماسی توجه نمی‌شود، هر چند این آثار حماسی غالباً از زیبایی‌های ظاهری خاص خود نیز برخوردار است.

پس از «شکل گرفتن دین اهورایی ایران و تمایل قطعی گاهان زرتشت یکتاپرستی سبب شد که روایات اساطیر ه ایران دیگر جایی جدی در تفکر یکتاپرستانه‌ی اهورایی در ایران نداشته باشد ولی قدمت و محبوبیت آن‌ها در اذه عمومی باعث شد مجموعه‌ی روایات اساطیری کهن ما از حیطه‌ی دین خارج شد و ادبیات حماسی ما را پدیدار سازد حماسه‌های ایرانی از دین و خدایان اساطیر مستقل گشته و ایزدان به حد شاهان و پهلوان درآیند.»^۱

اصولاً هیچ موجود اساطیری در قالب تغییرناپذیر و نهایی نمی‌گنجد، خدایان



در این مورد مستثنی نیستند. آن‌ها در تب مختلفی متجلی می‌شوند و گاهی ر متناقض به خود می‌گیرند. آن‌ها پیوسته تغییرند، در دوره‌ای پدید می‌آیند و سپس خاطره‌ها محو می‌شوند و ایزدان دیگر آن‌ها را می‌گیرند، اما علی‌رغم همه‌ی گونی‌ها صفات آنان باقی می‌ماند و به‌ای نو به خود می‌گیرد و سرانجام از ایان دیگر و زمان و مکان دیگر برمی‌آورند. همان‌طور که اهورامزدا ث صفات خدایان پیش از زرتشت شد.

«هم‌زمان با شروع عصر کشاورزی در ای غربی و سلطه‌ی زن بر جامعه نقش مرد جامعه فروتر از نقش زن بوده است، سورتی که حتی باروری را عمدتاً بر اثر رد آمدن بادی زندگی بخش بر زن دانستند و بدین ترتیب وراثت از سوی مادر»^۲.

به نظر گیرشمن زن حتی سازنده‌ی وف سفالین و دست‌افزارهای ابتدایی‌ی انجام امور کشاورزی بوده است و از رو جای شگفتی نیست اگر در جوامع ی زن نه تنها کارهای قبیله را مستقلاً انجام ن، بلکه حتی به مقام روحانیت نیز برسد.^۳ واژه‌ی پری در اوستا - Pairika (زرتولومه، ص ۸۶۴) و در فارسی میانه رتشتی) Pari-g (مکنزی، ص ۱۲۰) و در لوی [اشکانی] به صورت Pari-k، در سی میانه ترفانی Pari-g، در سغدی Pari (فرهنگ سغدی، ص ۲۸۱)، در شی Parik و در پشتو به صورت Pe-rai بی‌مانده است. این واژه در زبان هندی تان معادل ندارد و در ترجمه‌ی متن‌های ستایی و پهلوی به سانسکریت آن را به *ra'ksa و یا mahara'ksasi برگردانده‌اند. شه و اشتقاق این واژه به‌طور قطعی معلوم ست. در این زمینه پیشنهادهای فراوانی به است:

اهورمزدا آفرید واکرته - vaē kereta (بارتولومه، ص ۱۳۱۳) (= کابل) است که اهریمنی، (خنثی‌تی) - xnaθaiti (بارتولومه، ص ۵۲۲) پری را - که به گرشاسب وابسته بود - در آن جا پدید آورد. در ادامه آمده است که «زردشت به اهریمن می‌گوید که خنثی‌تی پری و دیو ناسورا نابود خواهیم کرد. یکی دیگر از پری‌ها که در اوستا از آن سخن رفته دژیائیری یا دیو قحطی و خشک‌سالی است که تیشتر این پری را با زنجیرهای ناگسستنی به بند می‌کشد.»^۴

هم‌چنین در متون دینی فارسی میانه و ادبیات پهلوی نیز پری از موجودات اهریمنی است که هم‌چنان از نیروی جادو برخوردار

بارتولومه نخست - pairika را به صورت مؤنث - paraka گرفته و با مقایسه‌ی آن با واژه‌ی هندی باستان - parakiya (وابسته به دیگران، دشمن) معنی آن را «زن بیگانه و غریبه» فرض کرد.^۵

در دین زردشتی هم‌چنین در ادبیات مزدیسنا پری به سان یکی از مظاهر شر و از دام‌های اهریمنی شناخته شده است و پری را جنس مؤنث جادو و از پیروان اهریمنی معرفی می‌کند. دروندیداد اوستا پری‌ها را ضد زمین، گیاه، آب و آتش و ستوران می‌داند و حتی به شکل ستاره‌ی دنباله‌دار با تیشتر - tištrya (بارتولومه، ص ۶۵۱) ایزد باران ستیزه می‌کنند. هم‌چنین در ونیدیداد آمده هفتمین کشوری که

است و می‌تواند به هر شکل که بخواهد، درآید تا پهلوانان را فریب دهد و به موجودات اهورامزدا آسیب رساند. در گزیده‌های زادسپرم در داستان گاو مرزیاب پری به پیکر سگ درمی‌آید و سریت STI تیری به او می‌اندازد و آن سگ دو تا می‌شود و در اثر ادامه‌ی تیراندازی تعداد سگ‌ها به هزار می‌رسد. سپس سگ‌ها به سریت حمله نموده و او را می‌کشند.^۶

اما آنچه از ادبیات فارسی دری برمی‌آید پری نه تنها موجودی زشت و اهریمنی نیست، بلکه مظهر زیبایی است و به صورت زن اثیری جلوه‌گر می‌شود و حتی گاهی اوقات در مقابل موجودات اهریمنی قرار می‌گیرد.

این دوگانگی که درباره‌ی یک شخصیت اسطوره‌ای وجود دارد، قابل‌بحث و تعمق بسیار است ولی از تحقیقات انجام‌شده چنین برمی‌آید که پری در اصل یکی از «زن ایزدانی» بوده که در زمان‌های کهن و پیش از دین‌آوری زرتشت ستایش می‌شده ولی بعدها در اثر عوامل و انگیزه‌های گوناگون مانند دگرگونی‌های اجتماعی، دین‌آوری و نوکیش‌ها و رواج ارزش‌های اخلاقی تازه، برداشت ذهنی آن گروه از ایرانیان که آیین زردشت را پذیرفته بودند، دگرگون شده، پری را به صورت موجود زشت اهریمنی پنداشتند ولی خاطره‌ی دیرین پری به عنوان الهه‌ای که با کامکاری و باروری و زایش رابطه‌ی نزدیک داشت، هم‌چنان در ذهن جمعی ناخودآگاه مردمان باقی مانده و در ادب فارسی و فرهنگ عامیانه‌ی ایران منعکس شده است.^۷

با توجه به قصه‌های پریانی که در ادب و انگاره‌های عامیانه وجود دارد، متوجه می‌شویم که تقریباً همه‌ی قصه‌های پریان از جهت ساختمان از یک نوع هستند.^۸ و «در قصه‌های تمام عالم ایفای چند نقش که

همواره همانندند، برعهده‌ی آن‌ها قرار گرفته است:

۱- به نوزادان خصایل و صفاتی نیک یا بد می‌بخشند.

۲- اندیشه‌ها را به حدس و گمان درمی‌یابند و قادر به پیش‌گویی‌اند (و این با پدیده‌های روشن‌بینی، دوربینی یا پیش‌بینی و پیش‌شنوایی که امروزه به خوبی شناخته شده، مطابقت دارد).

۳- آدم‌ها، کاخ‌ها، خوان‌های گسترده‌ی رنگین پدید می‌کنند و اشخاص و امثیا را به صورت‌های گوناگون درمی‌آورند.

۴- گنج و خواسته می‌بخشند. (با توجه به این نکته که مال و گنج و جواهر، نماد معارفی محسوب می‌شوند که از راه کشف و شهود حاصل آمده‌اند، پری بخشنده‌ی مال و خواسته، نمایشگر رمزی راهنما و آموزگار است که نظر کردگان خود را یاری می‌دهد تا در ناخودآگاه خویش که سرچشمه‌ی معارف تمامی ناپذیر است، نفوذ کنند.^۹)

شخصیت پریان در پندارهای کهن ایرانیان گویای این است که آنان نیز ویژگی‌ها و خصایل مشترکی را دارا هستند و کمتر به صورت موجوداتی اهریمنی جلوه می‌کنند و توانسته‌اند تا حدی «جنبه‌های کهن سرشت اساطیری خود را حفظ کنند و به عنوان موجودات نامرئی زیبا و فریبنده که دل‌باخته‌ی مردان و پهلوانان می‌شوند و آنان را افسون می‌کنند و با آبتنی و زایش سرو کار دارند و گاه نوزادان را در گاه‌زادن می‌ربایند و یا می‌زنند و با جادو و پری‌زدگی و پری‌خوانی وابسته‌اند و دل‌بستگی زیاد به رامش و رقص و آوازهای شبانه دارند، در ادب و فرهنگ عامیانه تصور و معرفی می‌شوند.^{۱۰}

در شاهنامه نامی از زن‌سام برده نشده است اما در آخرین داستان منظومه‌ی حماسی ملی ایران - که به نظر می‌رسد در قرن هفتم و

هشتم توسط خواجه‌ی کرمانی سروده شد است^{۱۱} و به سام‌نامه مشهور است. نام د خاقان چین - که سام با وی ازدواج می‌کند پریدخت ذکر شده که نباید از روی اتفاق تصادف باشد.

گرشاسب پهلوان اوستایی که بسیاری افسانه‌های مربوط به او و عظمت شخصیت جذب رستم شده، پسر ثریته - Orita خاندان sarma است. در ادبیات پهلوی دو سام و گرشاسب اغلب جای یکدیگر به می‌روند ولی در ادبیات فارسی، این لقب خانوادگی به صورت شخصیت مستق درآمده است و پدر زال سام خوانده شده است. سام و گرشاسب در شاهنامه فردوسی دو شخص جدا از هم و خویشتاوندند.^{۱۲}

بنابر این مطلب که نام زن سام پریدخت یاد شد، خود بازمانده‌ی سنت‌های کهن است که بنابر آن‌ها گرشاسب (سام) با پد در آمیخته است.

از جمله‌ی ویژگی‌های داستانی پری: دزدیدن اسب پهلوانان است که جز در مقایسه‌ی خوابگی و داشتن فرزند از آنان حاضر به داسب‌ها نمی‌شوند.^{۱۳} این خویشتکار اسطوره‌ای در داستان رستم و سهراب نمای می‌شود. آن‌جا که رستم برای شکار به مرز تور و ایران می‌رود و پس از شکار گوری و خور آن به خواب می‌رود و در این هنگام رخس تو گرویی از تورانیان دزدیده می‌شود.

سپس رستم از پی‌رخش روی به سمت می‌نهد و پس از مکالمه‌ی شبانه‌ی رستم تهیمته‌ی پری روی، تهیمته به شرط ازدو رستم با وی و بچه‌دار شدنش قول پیدا شا رخس را به رستم می‌دهد.

ترا ام کنون گر بخواهی مرا
نبیند جزین مرغ و ماهی مرا
یکی آنک بر تو چنین گشته‌ام
خرد را ز بهر هوا کشته‌ام

و دیگر که از تو مگر کردگار
 نشانده یکی پورم اندر کنار...
 سه دیگر که اسبت به جای آورم
 سمنگان همه زیر پای آورم
 (ج ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۶ ب ۸۳ تا ۸۷)*
 رستم چون از زیبایی آن پری چهره
 بهوت می شود، بخصوص که نوید پیدا
 شدن رخس را می شود، به این وصلت تن
 می دهد.

چو رستم بر آن سان پری چهره دید
 ز هر دانشی نزد او بهره دید
 و دیگر که از رخس داد آگهی
 ندید ایچ فرجام جز فرهی
 بفرمود تا موبدی پر هنر
 بیاید، بخواهد ورا از پدر
 (ج ۲، ص ۱۷۶ ب ۸۷ تا ۸۹)

این خویشکاری بار دیگر در داستان بیژن
 ز منیژه در شاهنامه ظاهر می شود، دگر بار
 یک پری است که به سراغ بیژن می آید و او را
 خواب می کند و اسبش را می رباید. تمام این
 مسائل به یک پری اهریمنی نسبت داده
 می شود که برگرفته از اخلاقیات زمان تدوین
 سطور می باشد. فردوسی به زیبایی چنین
 می گوید:

به زیر یکی سرو رفتم به خواب
 که تا سایه دارد مرا ز آفتاب
 پری، دریامد بگسترد پر
 مرا اندر آورد خفته به بر
 از اسیم جدا کرد و شد تا به راه
 که آمد همی لشکر و دخت شاه
 سواران پراکنده بر گرد دشت
 چه مایه عماری به من برگذشت...
 بدو اندرون خفته بت پیکری
 نهاده به بالین برش افسری
 پری یک بیک ز اهرمن کرد یاد
 میان سواران درآمد چو باد
 مرا ناگهان در عماری نشانند
 بر آن خوب چهره فسونی بخواند

که تا اندر ایران نیامد ز خواب
 بجنبید و من چشم کرده پر آب
 گناهی مرا اندرین بوده نیست
 منیژه بدین کار آلوده نیست
 پری بی گمان بخت برگشته بود
 که بر من همی جادویی آزمود
 (ج ۵، ص ۲۷ ب ۲۱۸)

از جمله ی خویشکاری این ایزدبانو-ایزد
 باروری و خیر و برکت- در اسطوره های کهن
 این است که هر سال برای خود همسری را
 برمی گزیند و این مرد فرمانروای شهر می شود
 و در پایان سال این همسر به دست مرد
 جوانی- که شوهر آینده ی این زن ایزد
 می شود- کشته خواهد شد و این کار هر سال
 تکرار می شود. در متون آمده که این ایزدبانو
 دارای معبدی بوده و بسان ملکه بر مردمان
 حکومت می کرده است.^{۱۲} سرانجام رسم و
 آیین کشتن این دلاور مردان فرمانروا منجر به
 پیدایش آیین میر نوروزی می شود که در
 سراسر ایران به نام های مختلف رایج بوده
 است. این مسئله را در شاهنامه می توان در
 داستان کشته شدن جمشید به دستور ضحاک
 و ازدواج وی با دختران جمشید دید:

چو ضحاک شد بر جهان شهریار
 برو سالیان انجمن شد هزار...
 شده بر بدی دست دیوان دراز
 به نیکی نرفتی سخن جز به راز
 دو پاکیزه از خانه ی جمشید
 برون آوردند لرزان چو بید
 که جمشید را هر دو دختر بدند
 سر بانوان را چو افسر بدند
 ز پوشیده رویان یکی شهرناز
 دگر پاکدامن بنام از نواز
 به ایوان ضحاک بردندشان
 بران ازدهافش سپردندشان
 (ج ۱، ص ۵۱ ب ۹۱ تا ۹۲)

پس از گرفتاری ضحاک، فریدون با
 شهرناز و ارنواز همسری می کند و همه ی

این ها شاید خاطره ای اساطیری^{۱۵} از همین
 رسم و آیین دوران مادر شاهی باشد. شاهنامه
 درباره ی فریدون چنین می گوید:
 نهاد از بر تخت ضحاک پای
 کلاه کئی جست و بگرفت جای
 برون آورد از شبستان اوی
 بنان سیه موی و خورشیدروی
 بفرمود شستن سرانشان نخست
 رواتشان از آن تیرگی ها بشت...
 پس آن دختران جهاندار جم
 به نرگس گل سرخ را داده نم
 گشادند بر آفریدون سخن
 که نو باش تا هست گیتی کهن

(ج ۱، ص ۶۹ ب ۳۱۰ تا ۳۱۶)
 «گونه های جدید و عامیانه ی رابطه و
 همسری پری بایلان و پهلوانان در داستان ها
 و افسانه های عامیانه به صورت مهرورزی و
 ازدواج شاهزاده ی جوان با دختر شاه پریان و
 با همسری مردی با پری که جلد کبوتر دارد و
 پس از روزگاری شوی و فرزندان خود را رها
 کرده و در پیکر کبوتر به سرزمین خود و به
 میان پریان برمی گردد، منعکس شده است.
 داستان دل بستگی شیخ صنعان به دختر ترسا،
 که گونه ی کهن آن را در اساطیر و ادبیات
 گنوستیکی می توان یافت، صورت دیگری
 از این زمینه ی باستانی اساطیری است.^{۱۶}
 در این پژوهش مشخص می شود که
 برخلاف نظر کریستن سن تمام واژه های پری
 در شاهنامه همواره به معنی چهره ی دل نشین
 و جذاب بکار نرفته است^{۱۷} و این واژه
 کاربردهای اسطوره ای همانند دیوان و دیگر
 موجودات شرور را نیز به همراه دارد.
 نخستین بار که با چهره ی پری در شاهنامه
 روبرو می شویم، در داستان کیومرث است،
 پری با اهریمن و سپاه وی برای گرفتن انتقام
 خون سیامک به جنگ می آید و همانند سایر
 موجودات اهریمنی در ردیف موجودات
 شرور قرار می گیرد:

پری و پلنگ انجمن کرد و شیر
ز درندگان گرگ و ببر دلیر
سپاهی دد و دام و مرغ و پری
سپهدار پرکین و کندآوری

(ج ۱، ص ۳، ب ۶۰ و ۶۱)

در شاهنامه پریان از جمشید فرمانبرداری
می کنند:

تو داری جهان زیر انگشتری
دد و مردم و مرغ و دیو و پری

(ج ۱، ص ۵۴، ب ۶۲)

واژه‌ی پری به همراه ترکیباتش بیش از
۵۰ بار در شاهنامه به کار رفته است و بیشترین
کاربرد آن برای توصیف چهره‌ی زنان و مردان
زیباروی است. این ترکیبات عبارتند از:
پری چهره، پری چهرگان، پری روی،
پری زاد، پری زادگان، و اینک چند نمونه از

شاهنامه برای این ترکیبات:

چو رستم بر آن سان پری چهره دید
ز هر دانشی نزد او بهره دید

(ج ۲، ص ۱۷۶، ب ۸۸)

به نام پری چهرگان روز و شب
کنون برگشایم به شادی دو لب

(ج ۱، ص ۲۵۸، ب ۴۱)

پری روی دندان به لب بر نهاد
مکن گفت از این گونه از شاه یاد

(ج ۱، ص ۱۶۵، ب ۴۳۶)

پری زاده ای گرسیاوشیا
که دل‌ها به مهرت همی جوشیا

(ج ۵، ص ۱۹، ب ۱۹۹)

سیاوش نیم نر پری زادگان
از ایرانت از تخم آزادگان

(ج ۵، ص ۲۰، ب ۲۰۶)

فهرست منابع و مآخذ

1. Bartholomae, christiaan,
1967: Altiranisches wörter
Buch, unveranerte, Auflage,
Berlin.

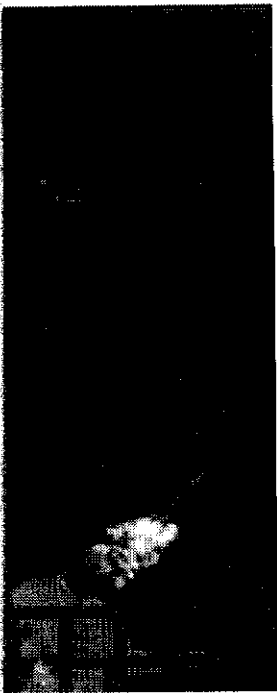
- بهار، دکتر مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- بهار، دکتر مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- بهار، دکتر مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنام فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- بهار، دکتر مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایرانی، انتشارات فکر روز تهران، ۱۳۷۶، چاپ سوم.
- ولادیمیر پیراپ، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بندروی، انتشارات توس، ۱۳۶۸، چاپ اول.
- دلاش، م لوهر، زبان رمزی قصه‌های پریوار، ترجمه جلال سناری، تهران، ۱۳۶۶، چاپ اول.
- راشد محصل، دکتر محمد تقی، گزیده‌های زاداسپرم، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، چاپ اول.
- سرکاراتی، دکتر بهمن، مقاله‌ی پری، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز، تیریز، سال ۱۳۵۰.

- صفا، دکتر فیض‌الله، حماسه سرایی در ایران، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه، انتشارات چاپ آکادمی علوم شوروی (مسکو).
- قریب، دکتر بدرالزمان، فرهنگ سغدی، انتشارات فرهنگ، تهران، ۱۳۷۴، چاپ اول.
- کریمش سنن، ارتور، آفرینش زبانکار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، ۲۵۳۵، بهمن ماه.
- گیرشمن، دومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، تهران، ۱۳۶۸، چاپ هشتم.
- مکزی، دین، فرهنگ کوچک پهلوی، ترجمه‌ی مهشید میرفرحانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول.

زیرنویس

- دکتر مهرداد بهار، از اسطوره تا تاریخ، ص ۲۰۱.
- دکتر مهرداد بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۳۹۶، ردیای چشمتین.

- پندارهایی هنوز در ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ها دیده می‌شود: که بچه‌ی حلال‌زاده به دایش می‌رود. هنوز هم در بعضی گویش‌های کردی دلیک dalk به مادر گفته می‌شود و دایی یعنی منسوب به مادر.
- رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام ص ۱۱ و ۱۰.
- raksasi در سانسکریت به‌طور کلی «دیوز و عمرت» معنی می‌دهد. raksasi (مؤنث) و raksasa (مذکر) نام و عنوان گروهی از یوده‌های دیگورنه در اساطیر هندی است. (مقاله‌ی پری، بهمن سرکاراتی، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات، صص ۲ و ۳).
- دکتر بهمن سرکاراتی، مقاله‌ی پری، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات، صص ۲ و ۳.
- دکتر مهرداد بهار، اساطیر ایران، ص ۱۵۰ تا ۱۵۲.
- دکتر محمد تقی راشد محصل، گزیده‌های زاداسپرم، فصل چهارم، بندهای (۲۶-۲۵).
- مقاله‌ی پری، ص ۲.
- ولادیمیر پیراپ، ریخت‌شناسی



- قصه‌های پریان، ص ۵۰۶.
- م. لوقلمر، دلاشو، زبان رسوزی قصه‌های پریوار، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.
- مقاله‌ی پری، ص ۷.
- ذبیح‌الله صفا، حماسه سرایی در ایران، صص ۳۳۲، ۳۳۳.
- دکتر مهرداد بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.
- مقاله‌ی پری، ص ۱۲.
- تمام ارجاع‌های جلد، بیت و صفحه مربوط به شاهنامه‌ی چاپ مسکو است.
- برای اطلاع بیشتر در این باره به کتابها جستاری چند در فرهنگ ایرانی، دکتر مهرداد بهار، صص ۲۸ و همچنین مقاله‌ی پری دکتر بهمن سرکاراتی، صص ۱۷ مراجعه کنید.
- دکتر مهرداد بهار، جستاری چند در فرهنگ ایران، صص ۴۸ و ۴۹.
- مقاله‌ی پری، ص ۱۸.
- در شاهنامه واژه‌ی پری به‌عنوان عبارت تشبیهی همواره در مفهوم چهره‌ای جذاب و دل‌نشین به کار می‌رود. آفرینش زبانکار در روایات ایرانی، ص ۹۷.